نمایش ۲۶ اثر از پیکاسو در موزه هنرهای معاصر تهران

آثار دوره‌های مختلف کاری و مجموعه‌ی «تروماکیا» یا «هنر گاوبازی» اثر درخشان پابلو پیکاسو که تاکنون در ایران نمایش داده نشده است، از نیمه نخست اسفندماه روی دیوارهای موزه هنرهای معاصر تهران خواهد رفت.به گزارش ایسنا به نقل از روابط‌عمومی معاونت هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در این نمایشگاه بیش از ۶۰ اثر از آثار پابلو پیکاسو از دوره‌های مختلف کاری این هنرمند اسپانیایی که شامل ۲۶ اثر اکواتینت از مجموعه‌ی «تروماکیا» یا «هنر گاوبازی»است و تا کنون در ایران نمایش داده نشده است در کنار تعدادی دیگر از آثار این هنرمند برجسته از نیمه نخست اسفندماه در موزه‌هنرهای معاصر تهران به نمایش در خواهد آمد.مجموعه‌ی «تروماکیا» یا «هنر گاوبازی»اثر نفیسی است که شامل ۲۶ قطعه اثر آکواتینت اســت که در قالب پورتفولیو با ۲۶۱ ادیشن ساخته شده بوده و در موزه‌های بزرگ دنیا همچون مومانیز موجود است.

هفته فیلم و عکس انجمن سینمای جوانان تهران به گام ششم رسید

ششمین هفته فیلم و عکس تهران به میزبانی دفتر انجمن سینمای جوانان دفتر تهران، چهارم تا هفتم اسفند برگزار می‌شود.به گزارش مهر به نقل از روابط عمومی رویداد، ششمین هفته فیلم و عکس انجمن سینمای جوانان ایران دفتر تهران از روز شنبه چهارم اسفند تا سه شنبه هفتم اسفند در محل کوشک باغ هنر با همراهی و همکاری شهرداری منطقه ۳ تهران و مرکز آفرینش‌های هنری بسیج تهران بزرگ برگزار خواهد شد.در این رویداد که در ۲ بخش فیلم کوتاه و عکس برگزار می‌شود، ۶۵ فیلم از فارغ‌التحصیلان این دفتر و همچنین فیلمسازانی که تحت قرارداد انجمن سینمای جوانان دفتر تهران تولیدات هنری داشته، پخش خواهد شد. علاوه براین، ۴۵ اثر عکس نیز از عکاسان دفتر ویژه تهران در قالب نمایشگاه در معرض بازدید عموم قرار خواهد گرفت.علاوه براین، برگزاری چهار کارگاه تخصصی و برگزاری سه نشست انتقال تجربه با فیلمسازان برتر کوتاه سال گذشته نیز از دیگر برنامه‌های این رویداد فرهنگی و هنری است.

اخبار روز

«جریان» در سینماتک خانه هنرمندان ایران

فیلم انیمیشن «جریان»اثر گینتز زیلبالودیس (۲۰۲۴) ساعت ۱۷ دوشنبه ۶اسفند ۱۴۰۳ در سالن استاد ناصری، برنامه ششصد و شانزدهم ســینماتک خانه هنرمندان ایــران به نمایش درمی‌آید.به گزارش ایســنا، پــس از نمایش انیمیشن نامرد اسکار و ۸۵ دقیقه‌ای «جریان» (Flow)، نشست نقد و بررسی آن با حضور سامان بیات (پژوهشگر سینما) برگزار می‌شود.
«جریان» (Flow) انیمیشــنی محصول سال ۲۰۲۴ به کارگردانی گینتس زیلبالودیس است که داستان گربه‌ای منزوی را روایت می کند.

با حضور وزیر ارشاد؛

پردیس سینمایی فسا افتتاح شد

مراســم افتتاحیه پردیس سینمایی شهرستان فسا استان فارس با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی برگزار شد.سیدعباس صالحی به منظور افتتاح از پردیس سینمایی فسا به این شهرستان ســفر کرد و بعد از نیز راهی شهرســتان داراب شد.پردیس سینمایی فسا با ۱۷۰۰ متر زیربنا، شامل دو سالن ۳۲۸ نفره و ۵۵ نفره و یک سالن پلاتو، رســتوران، کافی شــاپ و بوفه است که توســط بخش خصوصی تاکنون بــا صرف ۵۰ میلیارد تومان به مرحله بهره‌برداری از یک سالن رسیده است. این مجموعه، تاانتهای کار و تکمیل این پردیس سینمایی نیاز به اعتباری بالغ بر ۸۰ میلیارد دارد.

اکبر عبدی:

سعید آقاخانی مرا از «نون.خ» بیرون کرد!

اکبر عبدی در برنامه «۱۰۰۱» شــبکه نسیم درباره فصل سوم ســریال «نون.خ» که نامش به عنــوان بازیگر آن مطرح شــده بود گفت که ســعید آقاخانی همان ابتدای پروژه او را بیرون کرده است.به گزارش خبرنگار مهر، اکبر عبدی بازیگر سینمای ایران مهمان محسن کیایی در برنامه «۱۰۰۱» بود و درباره موضوعات مختلف از حضور در پروژه های سینمایی تا فضای کمدی گفت.در بخشــی از برنامه کیایی طی یک بازی از اکبر عبدی خواســت بین ۲ اسم محمدرضا شریفی نیا و سعید آقاخانی یکی را انتخاب کند و او شــریفی نیا را انتخاب کرد.عبدی سپس در جمله ای کوتاه عنوان کرد: ســعید آقاخانی روز اول فیلمبرداری یک پروژه مرا از کار بیرون کرد.

وزیر میراث فرهنگی:

صنایع دستی ذهنیت منفی نسبت به ایران را از بین می برد

زهراوفایی/گروه فرهنگ و هنر
news@naslefarda.net

ســیدرضا صالحی‌امیری، وزیر میراث‌فرهنگی، گردشگری و صنایع‌دستی در حاشیه بازدید از جشنواره صنایع دســتی در جمع خبرنگاران، جایگاه ایران در عرصه صنایع‌دســتی در جهان را رضایت‌بخش خواند و گفت: از مجموع ۴۰۰ رشته شــناخته شده صنایع‌دســتی در سطح جهان، ۲۹۹ رشته در ایران فعال است که این امر بیانگر اهمیت و جایگاه ویژه کشور ما در این حوزه است.صالحی‌امیری ادامه داد: توسعه صادرات و ایجاد تنوع در این صنعت و برپایی نمایشگاههایی فراتر از منطقه خاورمیانه و آسیا، می تواند ذهنیت های منفی نسبت به کشورمان را از بین ببرد. وی اضافه کرد: در همین راستا افزایش هرچه بیشتر صــادرات صنایع‌دســتی از اولویت‌های وزارت میراث فرهنگی اســت و برای انجــام اقدامات متنوعی که بتواند به افزایش ارتباطات بین المللی کمک کند با رئیس جمهور و سایر دستگاه‌های اجرایی رایزنی‌هایی انجام شده است.وی اعلام کرد: در حال حاضر ۵۷۰ هــزار نفر در ۳۴ هزار کارگاه صنایع‌دستی مشــغول فعالیت هستند که این ظرفیت عظیم می تواند نقش مهمی در تولید و صادرات ایفا نماید.او همچنین با تأکید بر ماهیت چندبعدی صنایع‌دستی خاطرنشان کرد: صنایع‌دســتی تنها یک هنر نیست، بلکه سبک زندگی، خلاقیت و هویت فرهنگی ملت ایــران را در برمی‌گیرد. وزیر میــراث فرهنگی افزود: امیدواریم بتوانیم با تقویت صادرات، علاوه بر رونــق اقتصادی، فرهنگ و هنــر ایرانی را به جهانیان معرفی کنیم.وی، نقش رسانه‌ها را در معرفی زیبایی‌های صنایع‌دستی ایران بسیار مهم دانست و گفت: انتظار می‌رود با انعکاس شایسته این هنر ارزشــمند، ظرفیت‌های صنایع‌دستی کشور بیش از پیش معرفی شود.

آیا مسیر «آرامش» از «ویرانی» می‌گذرد؟

نگاهی به نمایش «دقیقا مثل سبزوار بعد از عبور چنگیز»

عکس: نسل فردا

زهرا علوی/گروه فرهنگ و هنر
news@naslefarda.net

تئاتر «دقیقا مثل ســبزوار بعد از عبور چنگیز»، پر از نمادها و نشــانه‌های ضمنی اســت.در اولین مواجهه تماشــاگر با این نمایش، ذهن مخاطب با عنوان نسبتا طولانی آن درگیر می‌شود. «ســبزوار» وقتی در کنار نام «چنگیز» قرار گیرد، یادآور جنبش «سربداران» است.جنبشی که در تاریخ با عنوان بزرگترین جنبش عدالت‌خواهی و ظلم ستیزی ایرانیان در برابر هجوم و سلطه بیگانه، شناخته شده است.
«سربداران» در مقابل حمله مغول ها، قد علم کردند؛ اما نمایش «دقیقا مثــل ...» از همان ابتدا، با شــروع دیالوگ‌های اولیه برای مخاطب روشن می کند که به تماشای نمایشی تاریخی نَنِشســته، بلکه با پیشرفت سیر داستانی ماجرا، مفاهیم برآمده از عنوان نمایش، یعنی «بهت پــس از ویرانی»، «سربرافراشــتن پس از ســرکوب» و «بازیابی هویت پس از یــورش و از هم پاشــیدگی»، ترکیب‌هایی اســت که به نظر می‌رسد نویسنده متن، «علی شمس»، سعی داشته در نمایشنامه به آن بپردازد.داســتان در زمانی نامعلــوم می گذرد و اشخاص نمایش، نه شخصیت‌هایی در دنیای واقعی، بلکه کاراکترهایی در ذهن و قلم نویسنده‌اند که در تلاشی مداوم، گویی که می کوشند از سلطه خدا گونه نویسنده رهایی یابند، اما در عین حال مجبور به دریافت رضایت او نیز، هســتند.چون در غیر این صورت، وجودشان در متن، زیر سوال می‌رود. با این مقدمه، به سراغ این گزاره می‌روم که تئاتر «دقیقا مثل سبزوار بعد از عبور چنگیز»، در زیر لایه رویی متن، سراسر استعاری و نمادین است. نه به این معنا که تماشــاگر از ابتدا تا انتهای نمایش، ملزوم به کشف نمادها و اشاره‌های ضمنی باشد، اتفاقا روایت در پوســته متن به اندازه ای جذاب هســت که مخاطب را تا پایان، مشتاق روی صندلی‌اش نگاه دارد و البته، این جذابیت در فضایی خارج از ساختار کلاسیک درام و در کشمکش میان کاراکترهایی رخ می‌دهد که هنوز وارد نمایشنامه اصلی نشده اند! بلکه همین فضای معلق میان «رویا و حقیقت»، میان «توهم و واقعیت»، میان «اراده تغییر یا پذیرش جبر» و حتی میان «خالق زمان یا اسیرِ زمان بودن» است که مخاطب را حین اجرا، به فکر فرو می‌برد؛ چرا که قصه کاراکترهای سرگردان، بسیار شبیه قصه همه آدم هاست که هر کدام، در کجای این «میان‌ها» قرار گرفته‌اند؟
نمایشــنامه، همان‌طور کــه در عنوان بــه یک واقعه تاریخی اشــاره دارد، در متن نمایش هم، ســوژه‌های بنیادین داستان‌های اســاطیری را به چالش کشیده است. کاراکترهای ســرگردان، در پی ارائه رابطه علت و معلولی برای بیان پلات سرگذشــت شــان، به کهن الگوهای داستانی همچون «برادر کشی» بر سر کسب قدرت، یا پدرکشی و فرزندکشی برای تصاحب میراث خانوادگی، اشــاره می کنند.از این نظــر گاه اما، نقدی جدی به نمایشنامه وارد است؛ چرا که از زمان ورود تک کاراکتر «زن» به نمایش، سیر داســتان وارد فضاهای کلیشه‌ای می‌شــود.او همان «زن اغواگری» است که یک تنه زحمت گول زدن و به قهقرا بردن تمام مردان ماجرا را به دوش می کشد! در یکی از دیالوگ‌های مردان خطاب بــه زن، اغواگری غلوآمیــز او اینگونه توصیف شده: «آیا در ماجرایی که تعریف کردی، هیچ مذکری باقی مانده که تو با او ازدواج نکرده باشــی؟» با توجه به اینکه کاراکتر زن در نیمه‌های نمایش و به عنوان یک شخصیت پیش برنده داستان ظاهر می‌شود و حضورش با بیان دیالوگ‌های فاش کننده، از ابهامات داســتان رمزگشایی می کند، بنابراین اصرار بر اغواگری وافر او به گونه‌ای که هوش و اختیار از کف مردان ماجرا رابایید و آنان را به جنایت‌هایی جبران ناپذیر وادار می کند، یادآور کهن الگوی «شیطان» در «تجسد زن زیبا روی فتنه گر» اســت. این طرز نگاه به «زن»، با استفاده از صفت «ســلیطه» برای او در یکی از دیالوگ‌های نمایشنامه، بیشتر نمایان می‌شود. چنین شخصیت پردازی‌ای برای کاراکتر زن، (که من آن را شــخصیت پردازی نیابتی نامیده‌ام چرا که از زمان اسطوره آدم و حوا، قدرت فعلیت زن، در جهت به ثمر نشستن اهداف شیطان، گرو گرفته شــده تا از این راه، تمام برادرکشی ها و پدرکشی های تاریخ مردانه توجیه شود)، حتی اگر با نگاهی خوشبینانه قصد نویسنده در اینجا را انتقاد وی از این روند تاریخی بدانیم، باز هم در نمایشنامه جوری کار می کند که در مسیر کلیشه سازی یا حتی عادی جلوه دادن نقش «زن توطئه‌گر، پشت پرده نزاع مردان بر سر قدرت»، عمل می کند؛ بــه گونه‌ای که ناخــودآگاه در ذهن مخاطب جمله بارها شنیده شده «همیشه پای یک زن در میان است»، تداعی می‌شود.
در حیطه عناصر اجرا، بازی بازیگران از نقاط قوت نمایش است.هر ســه بازیگر مســلط و دقیق ظاهر شدند و در جذب توجه مخاطب به نقش آفرینی‌شان، موفق عمل کرده‌اند. همچنین طراحی صحنه که امضای کارگردان، یاســر پیمانی، در این پروژه اســت از دیگر نقاط قوت نمایش است. تصویر محیطی که مکان رخداد داستان است، یعنی «صفحه کاغذ» یا «صفحه نورانی مانیتور کامپیوتر» و یا «ذهن نویسنده» با انبوهی از لغات درهم و پراکنده، بسیار خلاقانه در دکور صحنه، ترسیم شده است. نورهای نئونی به همراه فونت‌های الفبایی نورانی و البته کادر مستطیل شــکل، همگی به صفحه خلق نویسنده ، خواه کاغذ یا کامپیوتر اشاره دارد و باید گفت که تصویری خاص و به یادماندنی از دکور صحنه در ذهن مخاطب به جای می گذارد.
تئاتر «دقیقا مثل ســبزوار بعد از عبــور چنگیز»، به نویســندگی علی شــمس، کارگردانی یاسر پیمانی و بازی بازیگران مهرزاد مشکل گشــا، آرزو حق شناس و سام کوراوند، تا دهم اســفند ماه ۱۴۰۳ در مجموعه فرشچیان، به روی صحنه اجرا خواهد بود.

دوبلور و گوینده پیشکسوت:

دوبله خیلی وقت است که تمام شده است

ناصر ممدوح از منوچهر والی‌زاده به عنوان یک اسطوره یاد کرد و گفت: ۶۳ ســال اســت کار دوبله می کنم و ســال‌ها با او همکار بودم. صدای منوچهــر والی‌زاده فوق‌العاده و تکرارنشــدنی بود. ما دیگر او را نخواهیم داشت؛ البته باید بگویم دوبله دیگر تمام شده، خیلی وقت است.
ناصر ممدوح، دوبلور باسابقه کشورمان در گفت‌وگویی با ایسنا، در پی درگذشــت منوچهر والی‌زاده ضمن افســوس از فقدان ایــن هنرمند عرصه صــدا اظهار کرد: آقای منوچهر والــی‌زاده از گویندگان خوب ما و اســطوره بود. اکثر جوان‌های فیلم‌های خارجی را او صحبت می‌کرد. زمانی هم بازیگر بودند و قبل از انقلاب فیلم‌های بسیاری بازی کرد.
ممدوح با بیان اینکه نمی‌داند درباره منوچهر والی‌زاده چه باید بگوید چراکه همه او را می‌شناسند، در ادامه اضافه کرد: او از جهت اخلاق، گفتار، کردار و حرفه‌اش یک اسطوره بود. متاســفانه در باورم نیست که آقای والی‌زاده هم رفــت؛ ولی خب بایــد پذیرفت. زمانی انسان‌ها می آیند و زمانی هم باید بروند.
این دوبلور و گوینده پیشکســوت ضمن افســوس از فراق منوچهر والی‌زاده، گفت: او مرد به تمام معنا برای خانواده، همکار و دوستانش بود. همیشه می خندید و دنیا را جدی نمی گرفت.ممدوح درباره همکاری‌اش با منوچهر والی‌زاده نیز یادآور شد: من ۶۳ سال است کار دوبله می کنم و سالها با والی‌زاده همکار بودم. صدای او فوق‌العاده بود و تکرارنشدنی. ما دیگر او را نخواهیم داشت. البته باید بگویم دوبله دیگر تمام شده؛ خیلی وقت است. آن ۱۰ ـ ۱۵ نفری که از دهه ۴۰ بودند الان شاید تعدادشان به ۱۰ الی ۱۴ نفر می‌رسد؛ مابقی یا جایی رفتند، یا دیگر کار دوبلــه نمی کنند و یا از دنیا رفتند.او درباره فعالیت منوچهر والی‌زاده نیز توضیح داد: آقای ولی‌زاده تا همین اواخر کار می کرد و حتی قرار بود برای اســتودیویی گویندگی کند اما نشــد. اخیرا هم در رادیو، برنامه صبحگاهی داشت و به اجرا می‌پرداخت. نمایشنامه‌خوانی اتللو را هم در تئاتر شهر داشت. نمی‌توانم قبول کنم که دیگر نیست. وجودش برای ما نعمتی بود و حیــف از رفتنش.مدوح درباره درگذشت منوچهر والی‌زاده یادآور شد که شب قبل از فوتش با خانواده این هنرمند گفت‌وگو کرده و قرار بود از بیمارستان به دلیل بهبودی نسبی مرخص شود اما فردای آن روز خبردار شده که از دنیا رفته است، همین قدر ناگهانی.
ممدوح ضمن تسلیت به همکارانش در عرصه دوبله، گفــت: از صمیم قلب بــه خانواده محتــرم منوچهر والی‌زاده، فرزندانش، همسرش و به دوست و همکاران خودم تسلیت می گویم که در این دو روز عزا گرفتند. همینطور برای درگذشت آقای ایرج رضایی که بیمار بودند و از دنیا رفتند.

غرفه «مردم شناسی» مجالی برای تفکر در عرصه فرهنگ و هنر

رقیه غلامی/گروه فرهنگ و هنر
news@naslefarda.net

هر سال با فرا رسیدن بهمن ماه، خبر دست اول، برگزاری نمایشگاهی به مناسبت ایام دهه فجر است و در بهمن ماه سال جاری نمایشگاهی در قالب فجرانه به نام «هفت هنر» در نمایشگاه دائمی قرچک برگزار شد و تنوع غرفه‌ها و استقبال بازدید کننده‌ها تبدیل به صدها خبر و عکس شد که تا چند روز نقل محافل بود. اما بنده نیز به عنوان خبرنگار فرصت را برای شکار لحظه‌ها مناسب دانسته و غرفه «مردم شناسی» دستمایه گزارش حاضر می باشد که از نظرتان می گذرد.
یکی از غرفه‌های زیبا که دری به سوی شناخت فرهنگ و سبک زندگی مردم از یک دوره زمانی بود و می توانســت اطلاعات خوبی از گذشته تا حال حاضر به نمایش بگذارد غرفه مردم شناســی بود که هر بازدید کننده را جذب می نمود. به نظرم حــدود ۳۰دقیقه زمان برای بازدید از این غرفه کافی است تا نگاهت با اشــیاء گره بخورد و در تونل زمان به گذشته سفر کنید.اعتماد امیری، مجوز رســمی مجموعه داری و موزه‌داری وموزه مردم شناسی جنوب شرق را داراست. وی در نمایشگاه فجرانه «هفت هنر» دارای دو غرفه فعال بود و از اهدافش برای شرکت در این نمایشگاه گفت: تاکنون در شهرستان قرچک نمایشگاهی برای نمایش اشیاء موزه مردم شناسی نداشــتم اما برگزاری این نمایشگاه فرصتی برایم فراهم آورد تا من نیز مثل هنرمندان سطح منطقه بتوانم به معرفی موزه مردم شناسی بپردازم .وی در توضیح اقلام موجود در موزه مردم شناسی گفت: بنده اقلامی همچون سماور، تنگ، سینی ،قوری، لیوان ،آفتابه و لگن، شــیرینی خوری، میوه خوری، گلدان، چراغ های گردسوز و غیره از جنس مس و برنج و ورشو که در گذشته از کالاهای ضروری خانواده های ایرانی بوده است برای نمایش به نمایشگاه آوردم.
اعتماد امیری در ادامه از واکنش مردم از دو غرفه مردم شناسی نمایشگاه هفت هنر گفت و افزود:غرفه مردم شناســی برای بازدیدکنندگان که به تاریخ گذشــته علاقه فراوانی دارند بهترین مکان دیدنی محسوب می شــود تا عکس یادگاری بیندازند و در یک کلام به تونل زمان سفر کنند و خاطرات نه چندان دور و جوانی خــود را زنده کنند و برای نوه و نتیجه از این اقلام که زمانی زندگی‌هایشــان بــه آن گره خورده بود خاطراتی بازگو نمایند.
این موزه دار در ادامه صحبت‌هایش از کاهش قــدرت خرید مردم از اقلام موجود در غرفه نمایشــگاهی گفت و افزود: با این که همگی این اشــیاء ارزش زیادی دارد اما قدرت خرید مردم کاهش یافته است چرا که در هفت روز نمایشگاه با وجود این که ازدحام جمعیت را می دیدم و تعداد قابل توجهی بازدید کننده داشتم اما قدرت خرید مردم قرچک را پایین ارزیابی می کنم و خرید اقلام این غرفه در ســبد خانوارهای قرچکی نمی گنجد. وی در ادامه از کم و کاستی های موجود در نخستین نمایشگاه فجرانه هفت هنر گفت و افزود: ساعت کار نمایشگاه برای غرفه دار و بازدیدکننده مطلوب نبود. بهتر این بود که ساعت کار نمایشگاه تا ده شب می بود تا مراجعه کنندگان بیشــتری در نمایشگاه حضور می داشتند. وی در خاتمه از نبود غرفه‌ای جهت سرو نوشیدنی و غذا در داخل سالن نمایشگاه گلایه نمود و افزود: در یک روز شلوغ نمایشگاهی، ممکن بود صدها نفر برای بازدید بیایند و بروند و وسط این همه بازدید گرسنه یا تشنه شوند مخصوصا وقتی نمایشگاه در طول هفته باشد و ساعت بازدید از ۱۱صبح تا هشت شب باشد نیاز است که یک فضایی داخل نمایشگاه باشد که بتوانی در نزدیکی غرفه ات با صرف کمترین زمان غذایی بخوری و مجبور به خروج از نمایشگاه نباشید و با افزایش مدت زمانی که در نمایشگاه هستی میزان تعامل با مردم افزایش می‌یابد و کار نیمه رها نشــود.بنده امیدوار هســتم برنامه‌ریزان در برگزاری نمایشگاه‌هایی این چنینی به این مهم توجه لازم را مبذول دارند.

مقاومت

آمادگی لبنان برای تشییع فرماندهان مقاومت؛

یک‌شنبه تاریخ ساز

سمیه عزیزیان/گروه فرهنگ و هنر
news@naslefarda.net

یک‌شنبه روز بزرگی است برای همه کسانی که سید مقاومت را می شناختند، با او بزرگ شدند و با او جان گرفتند، سیدی که تمام عمرش را صرف مجاهدت در راه مبارزه با صهیونیســم ســپری کرد، وجودش قوت قلبی بود برای تمامی کسانی کــه در راه مبارزه با دشــمن جنایتکار، مجروح شدند، به شهادت رسیدند و در راه مقاومت استوار ایستادند.
دنیا روز یک شنبه خواهد فهمید که سیدشهید که بود و چه جایگاهی در دل نه تنها شــیعیان، بلکه در دل تمام آزادی خواهان جهان داشــت.
روز یک‌شــنبه روز حیرت همگان خواهد بود از حضور میلیونی سران و مســئولان کشورهای مختلف جهــان گرفته تا مردم عــادی که برای بدرقه ســیدمقاومت به بیروت می آیند تا ایشان را راهی خانه ابدیــت کنند.دنیا به نظاره خواهد نشست برای کســی که عمری در راه مجاهدت قدم برداشت.
یک‌شــنبه روز بازنمایــی و بــه رخ کشــیدن ســرمایه اجتماعی حزب‌اله اســت. روز ترجمه و تفســیر مقاومت، روزی که همگان به احترام سیدمظلومان به پا می خیزند و تمامی پرچم‌های کشورهای اسلامی به اهتزاز در می آیند و مقاومت معنا پیــدا می کند. روز یکشــنبه همه خواهند فهمید که حزب‌اله زنده است حتی پس از آسمانی شدن فرمانده شهیدشان.
یک‌شنبه روز تغییر محاسبات دشمنان داخلی و خارجی حزب‌اله اســت.با شهادت فرماندهان حزب اله دشــمن صهیونی به خیال خود تصور می کرد که حزب اله از بیــن خواهد رفت. اما راه نصرالله در حزب‌اله ادامه دارد. خون مقاومت در رگهای خانواده های شــهدای حزب اله جریان دارد. خون شــهدا هرگز خشک نمی‌شود و روح مقاومت در نسل‌های بعدی همچنان زنده و جاری است.مقاومت محدود به یک فرد نیست و این نه یک ملت، بلکه همه ملت‌های مسلمان هستند که مقابل اسرائیل ایستاده‌اند. نصرالله زنده است تا حزب‌الله زنده است.
-من امام موسی صدر «رئیس و بنیانگذار مجلس اعلای شــیعیان لبنان» را ندیــده ام ولی هنوز منتظرم بگویند زنده اســت و چنددقیقه‌ای آن مردالهی که یک قــرن از روزگار خود جلوتر بود را ببینم، من خمینی کبیــر را ندیدم، آن بزرگ مردی که می گفت راه قــدس از کربلا می گذرد و به تعبیر من یعنی بــرا آزادی قدس چه خونها باید ریخته شــود. من چمران را ندیدم چمرانی که به همه لذت هــای دنیایی پشــت کرد و از هیچ، چریک می ساخت، چمرانی که زندگی در آمریکا را رها کرد و به جبهه های حق علیه باطل برگشت تا به کشــورش خدمت کند و در مورد آزادی قدس می گفت: «ما می‌خواهیم قدس به پرستش گاه مومنین عالم بدل شود ما می‌خواهیم قدس و فلسطین را از زیر سیطره صهیونیسم و برتری نژادی، تعصب و خرافات بیرون آوریم ما می‌خواهیم معیارهای انسانی را زنده کنیم.»
من شهید مطهری را ندیده ام اما کتاب حماسه حســینی اش را خوانده ام آنجا که در اوج علم، فصاحت و بلاغت مــی گوید: « شــمر امروز را بشناس!
شمر امروز ما اسرائیل اســت ما باید به داد مردم فلسطین برسیم نه این که بیاییم در محرّم به سرِ و سینه بزنیم و بگوییم «زینبم الوداع الوداع» اصلاً این حرفها در شأن امام نیست.»
من شــهید آوینی را ندیده ام، شــهیدی که با مکتب خمینی از کامران بــه آقامرتضی تبدیل شد و با هیچ، روایت فتح ســاخت. آقا مرتضای جبهه‌ها با آن صدای ملکوتیش می گفت: قدس مظهر جراحتی است که بر قلب امت اسلام وارد شده اســت.دلم حســین خرازی را می خواهد که می گفت هر چه که می کشــیم و هر چه که بر ســرمان می‌آید از نافرمانی خداست و مگر نه این است که قوم یهود از ابتدا سر نافرمانی با خدا برداشتند و دست به جنایات وحشتناکی زدند.
اما من سیدحسن نصرالله را دیده‌ام، فرمانده حزب اله لبنان، که به تمام آرمان های شهدا و امام راحل در برابر دفاع از مظلوم و کمک به فلسطین و آزادی قدس شریف جامه عمل پوشاند.
ســی و انــدی ســال در راه مبــارزه بــا رژیم صهیونیستی قدم برداشت و حتی زمانی که پسر ۱۸ ساله اش، محمدهادی به شهادت رسید خم به ابرو نیاورد. وقتی در سخنرانی‌هایش رجز می خواند و لرزه به تن صهیونیست‌ها می انداخت، آنجا که با صدای رسا فریاد می زد« نحن شیعه علی بن ابی طالب»به خود می بالیدم که شیعه علی بن ابی طالب هستم. حزب الله با شجاعت و درایت سید حسن رشد کرد بزرگ شد و به چنان قدرتی در منطقه تبدیل شــد که در برابر تمام مستکبران عالم بایستد، من مقاومت را در سید حسن دیدم، وقتی برای شهادتش دشمن زبون، خوار و ضعیف از بمب هشتاد تنی استفاده کرد، من پیروز جنگهای ۳۳ روزه و طوفان الاقصی را در سیدحسن دیدم.
و اما روز یک‌شنبه... همه می آییم نه با پای جان، بلکه با پای دل، تا به تمام عالم نشــان دهیم هر چند سید حسن را از دســت داده ایم اما امید به «نصرت‌الهی» بیش از پیــش در دل مان زنده است.
چرا کــه خداونــد در ســوره بقره آیــه ۲۱۴ می‌فرمایید: «اَلا اِنَّ نَصرَاللهِ قَریب» و اعتقاد داریم سید حسن زنده است تا حزب الله زنده است.